

نگاهی تحلیلی بر مبنای تمدنی جمهوری اسلامی ایران

در افق گام دوم انقلاب

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۴)

دکتر حسین ولی زاده^۱

چکیده

جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نظامی برخاسته از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، با هدف ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، عدالت محور، توحید گرا و استقلال طلب شکل گرفته است (خمینی، ۱۳۶۹). این نظام با تلفیق اصول دینی و ساختارهای مدرن حکومتی، در پی ارائه الگویی تمدنی است که نه تنها نیازهای جامعه ایرانی را برآورده سازد، بلکه در سطح جهانی به عنوان مدلی برای تحقق تمدن نوین اسلامی مطرح شود (مطهری، ۱۳۸۸). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، منتشر شده در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ توسط رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، سندی راهبردی است که افق‌های جدیدی برای تکامل این تمدن در مرحله دوم حیات انقلاب ترسیم می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). این بیانیه با تأکید بر نقش محوری نسل جوان، پیشرفت علمی، خودسازی معنوی، و تقویت مبانی فکری و ارزشی نظام، چارچوبی جامع برای بازتعریف هویت تمدنی جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد و بر ضرورت حفظ آرمان‌های انقلاب در برابر چالش‌های داخلی و خارجی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: افق گام دوم انقلاب، تمدن ایران، آرمان‌های انقلاب، هویت تمدنی

^۱ وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

دوره دکتری تخصصی حقوق خصوصی

دوره دکتری تخصصی حقوق عمومی

دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی

دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی

مدرس دانشگاه

مقدمه

تحلیل مبانی تمدنی جمهوری اسلامی ایران در افق گام دوم انقلاب، مستلزم بررسی عمیق و نظام‌مند اصول نظری، ارزشی و عملی این نظام است. مبانی تمدنی، به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول عقیدتی، ارزش‌های اخلاقی و ساختارهای سیاسی-اجتماعی، هویت و جهت‌گیری نظام را شکل می‌دهند و در اسناد بنیادین نظیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸) و آثار نظریه‌پردازان انقلاب، از جمله «صحیفه امام» (خمینی، ۱۳۶۹)، به‌صورت شفاف تبیین شده‌اند (قانون اساسی، ۱۳۵۸). این پژوهش با رویکردی علمی و آکادمیک، به دنبال تبیین چیستی این مبانی، پیوند آن‌ها با آرمان‌های انقلاب اسلامی، و نقش آن‌ها در تحقق تمدن نوین اسلامی است. در این راستا، مفاهیم کلیدی نظیر توحید، عدالت، کرامت انسانی و ولایت فقیه به‌عنوان ارکان فکری و ارزشی نظام بررسی شده و جایگاه آن‌ها در بیانیه گام دوم تحلیل می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷؛ خمینی، ۱۳۶۹). همچنین، چالش‌های پیش‌روی تحقق این تمدن، از جمله مسائل فرهنگی، مدیریتی، و تأثیرات جهانی‌سازی، مورد ارزیابی قرار گرفته و راهکارهای عملی برای غلبه بر آن‌ها پیشنهاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵).

این مطالعه با تکیه بر منابع معتبر اسلامی و سیاسی، از جمله بیانیه گام دوم انقلاب (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)، قانون اساسی (۱۳۵۸)، و آثار امام خمینی (۱۳۶۹) و دیگر متفکران اسلامی نظیر آیت‌الله مطهری (۱۳۸۸) و آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۹۵)، و با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی، چارچوبی منسجم برای فهم مبانی تمدنی نظام ارائه می‌دهد. هدف این پژوهش، تبیین علمی هویت تمدنی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبردهایی برای تحقق آرمان‌های انقلاب در افق گام دوم است. این تحلیل می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های کلان و

تقویت گفتمان تمدن‌سازی در سطح ملی و بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰). با توجه به اهمیت موضوع در سطح مطالعات دکتری، این پژوهش تلاش دارد با حفظ دقت علمی و بی‌طرفی، به درک عمیق‌تری از ظرفیت‌ها و چالش‌های تمدن‌سازی در جمهوری اسلامی ایران کمک کند. در این مسیر، بیانیه گام دوم به عنوان نقشه راهی برای نسل جدید، بر نقش محوری جوانان در خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تأکید دارد و این پژوهش با تمرکز بر این سند، به تحلیل ابعاد نظری و عملی آن می‌پردازد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

مبحث اول: مبانی نظری و مفهومی

گفتار اول: مفهوم "مبانی" در اندیشه سیاسی و تمدنی

مبانی در اندیشه سیاسی و تمدنی به مجموعه‌ای از اصول بنیادین، ارزش‌ها و مفروضات نظری اطلاق می‌شود که چارچوب هویتی، جهت‌گیری و اهداف یک نظام سیاسی یا تمدنی را شکل می‌دهند. این مفهوم در فلسفه سیاسی به عنوان پایه‌های فکری و ارزشی شناخته می‌شود که هویت یک نظام را از دیگر نظام‌ها متمایز کرده و به آن انسجام و پایداری می‌بخشد (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۴۵). در اندیشه سیاسی اسلامی، مبانی شامل اصول عقیدتی نظیر توحید، نبوت و معاد، و ارزش‌های عملی مانند عدالت، آزادی و کرامت انسانی است که ریشه در متون دینی (قرآن کریم و سنت نبوی) داشته و به عنوان پایه‌های نظری تمدن‌سازی عمل می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۷۲). این اصول نه تنها به عنوان مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، بلکه به عنوان راهنمای عمل در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظام اسلامی مطرح هستند.

در بستر تاریخی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران، این مبانی به صورت خاص در آثار نظریه پردازان انقلاب، به ویژه امام خمینی (ره)، تبیین شده‌اند. ایشان در «صحیفه امام» بر ضرورت پیوند اصول عقیدتی با عمل سیاسی تأکید کرده و توحید را به عنوان محور اصلی نظام اسلامی معرفی می‌کنند که نه تنها در حوزه اعتقادی، بلکه در ساحت‌های سیاسی و اجتماعی نیز باید نمود یابد (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۱۲). به گفته ایشان، توحید به عنوان مبنای تمدنی، نظام سیاسی را از وابستگی به قدرت‌های مادی بی‌نیاز کرده و آن را به سمت استقلال و خودکفایی هدایت می‌کند. همچنین، ارزش‌هایی نظیر عدالت و آزادی در اندیشه اسلامی، برخلاف تفاسیر لیبرال یا مارکسیستی، در چارچوب شریعت تعریف شده و هدف آن‌ها تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان است (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۶۷).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، که توسط آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۹۷ منتشر شد، این مبانی را به عنوان زیرساخت فکری برای تحقق تمدن نوین اسلامی مورد تأکید قرار داده است. در این بیانیه، حفظ اصول بنیادین انقلاب، از جمله توحید، عدالت و استقلال، به عنوان پیش‌نیاز تمدن‌سازی معرفی شده و بر لزوم صیانت از این مبانی در برابر تحریف‌ها و انحرافات فکری تأکید شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳). به ویژه، بیانیه بر نقش این مبانی در ایجاد انسجام فکری و عملی در مسیر خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تأکید دارد و از نسل جوان می‌خواهد تا با تکیه بر این اصول، نظام اسلامی را به سوی آرمان‌های تمدنی هدایت کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

علاوه بر این، در اندیشه سیاسی اسلامی، مبانی تمدنی فراتر از مفاهیم نظری، به عنوان ابزارهای عملی برای مواجهه با چالش‌های مدرن مانند جهانی‌سازی و تهاجم فرهنگی عمل می‌کنند.

آیت‌الله جوادی آملی در این خصوص تأکید دارند که مبانی تمدنی اسلامی، با تکیه بر عقلانیت دینی و ارزش‌های فطری، قادر به ارائه الگویی بدیل برای تمدن‌های مادی‌گرای غربی هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۸۹). این دیدگاه در آثار دیگر متفکران اسلامی، نظیر آیت‌الله مصباح یزدی، نیز مورد تأیید قرار گرفته که مبانی تمدنی را به‌عنوان ترکیبی از اصول ثابت (مانند توحید و عدالت) و روش‌های انعطاف‌پذیر برای پاسخگویی به نیازهای زمانه معرفی می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲).

در مجموع، مفهوم مبانی در اندیشه سیاسی و تمدنی اسلامی، به‌عنوان ستون‌های فکری و ارزشی، نه تنها هویت نظام جمهوری اسلامی را تعریف می‌کند، بلکه چارچوبی برای تحقق تمدن نوین اسلامی در افق گام دوم انقلاب فراهم می‌آورد. این مبانی، با ریشه در متون دینی و تفسیر آن‌ها در بستر انقلاب اسلامی، به نظام امکان می‌دهند تا در برابر چالش‌های داخلی و خارجی ایستادگی کرده و الگویی متمایز برای تمدن‌سازی ارائه دهد.

گفتار دوم: چیستی جمهوری اسلامی ایران: ماهیت و ساختار

جمهوری اسلامی ایران نظامی سیاسی-اجتماعی است که از تلفیق دو عنصر بنیادین «جمهوریت» (مشارکت مردمی) و «اسلامیت» (ارزش‌های دینی) شکل گرفته و هویت آن در قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ به‌صورت دقیق تبیین شده است (قانون اساسی، ۱۳۵۸، اصل ۱). این نظام، بر اساس نظریه ولایت فقیه که توسط امام خمینی (ره) در آثار نظری و عملی ایشان، به‌ویژه در «ولایت فقیه: حکومت اسلامی» و «صحیفه امام» تشریح شده، به دنبال تحقق حاکمیت الهی در بستر اراده و مشارکت مردمی است (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۲۴۰). ماهیت این نظام، ترکیبی از اصول دینی و ساختارهای مدرن حکومتی است که با هدف ایجاد

جامعه‌ای عادل، مستقل و معنویت‌محور طراحی شده و به‌عنوان الگویی برای تمدن‌سازی اسلامی در عصر مدرن مطرح است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵).

ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران شامل دو دسته نهادهای انتخابی و انتصابی است که تعادل بین جمهوریت و اسلامیت را حفظ می‌کنند. نهادهای انتخابی نظیر مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستا، بستری برای مشارکت مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی فراهم می‌کنند (قانون اساسی، ۱۳۵۸، اصول ۶۲-۹۹). در مقابل، نهادهای انتصابی مانند رهبری، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسئولیت حفظ انطباق قوانین و سیاست‌ها با اصول اسلامی و نظارت بر عملکرد نظام را بر عهده دارند (قانون اساسی، ۱۳۵۸، اصول ۱۰۷-۱۱۲). این ساختار دوگانه، که بر اساس نظریه ولایت فقیه طراحی شده، تضمین‌کننده پیوند ارزش‌های دینی با اراده مردمی است و از انحراف نظام به سمت سکولاریسم یا استبداد جلوگیری می‌کند (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۴۱۲).

ماهیت جمهوری اسلامی ایران در پیوند عمیق با آرمان‌های انقلاب اسلامی، یعنی استقلال، عدالت و معنویت، تعریف می‌شود. استقلال به‌عنوان یکی از اصول محوری، به معنای رهایی از سلطه قدرت‌های خارجی و خودکفایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴). عدالت، که ریشه در تعالیم اسلامی دارد، به‌عنوان رکنی برای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در جامعه مطرح است و در اندیشه امام خمینی (ره) به‌عنوان یکی از اهداف اصلی انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۱۸۹). معنویت نیز به‌عنوان روح حاکم بر نظام، برگرفته از اصول توحیدی و ارزش‌های اخلاقی اسلام، نظام را از نظام‌های مادی‌گرای غربی متمایز می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، این نظام را به عنوان پایه ای برای تمدن سازی در مرحله دوم حیات انقلاب معرفی کرده و بر ضرورت تقویت ابعاد جمهوریت و اسلامیت آن تأکید دارد. در این بیانیه، جمهوری اسلامی به عنوان نظامی پویا و انعطاف پذیر توصیف شده که قادر است با حفظ اصول بنیادین خود، به نیازهای زمانه پاسخ دهد و در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی حرکت کند (خامنه ای، ۱۳۹۷). این نظام، با تکیه بر مشارکت مردمی و هدایت دینی، نه تنها به دنبال رفع نیازهای داخلی است، بلکه با ارائه الگویی بدیل برای نظام های سیاسی جهانی، نقش تمدن ساز خود را در سطح منطقه ای و بین المللی ایفا می کند (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

در این راستا، نظریه پردازان اسلامی مانند آیت الله مصباح یزدی تأکید دارند که جمهوری اسلامی ایران، به دلیل پیوند منحصر به فرد بین جمهوریت و اسلامیت، الگویی متمایز از نظام های دموکراتیک غربی یا رژیم های استبدادی منطقه ای ارائه می دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲). این نظام با تکیه بر اصول اسلامی و مشارکت مردمی، توانسته است در برابر چالش های داخلی و خارجی، از جمله تحریم ها و تهاجم فرهنگی، مقاومت کند و به عنوان نمونه ای موفق از نظام سازی اسلامی مطرح شود. با این حال، تحقق کامل آرمان های تمدنی این نظام، نیازمند تقویت ساختارهای مدیریتی، رفع کاستی ها و بهره گیری از ظرفیت های نسل جوان است که در بیانیه گام دوم به عنوان محور اصلی پیشرفت معرفی شده اند (خامنه ای، ۱۳۹۷).

گفتار سوم: تعریف و مؤلفه های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی به مجموعه ای از دستاوردها و ساختارها در حوزه های فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اطلاق می شود که بر پایه ارزش ها و تعالیم اسلامی شکل گرفته و هدف آن تأمین سعادت بشری در ابعاد مادی و معنوی است (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۹۲). این مفهوم،

ریشه در متون دینی (قرآن کریم و سنت نبوی) داشته و در طول تاریخ اسلام، از طریق تمدن‌های برجسته‌ای نظیر تمدن اموی، عباسی و صفوی، به منصف ظهور رسیده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲). تمدن اسلامی، برخلاف تمدن‌های مادی‌گرای غربی، بر اصول توحیدمحوری، عدالت اجتماعی، و تعالی معنوی استوار است و به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن ارزش‌های دینی و انسانی در کنار پیشرفت مادی هم‌افزا باشند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸).

مؤلفه‌های اصلی تمدن اسلامی را می‌توان در چند محور کلیدی خلاصه کرد:

۱. توحیدمحوری: توحید به عنوان محور اصلی تمدن اسلامی، نه تنها در حوزه اعتقادی، بلکه در تمامی شئون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نمود دارد. این اصل، نظام تمدنی را از وابستگی به قدرت‌های مادی رها کرده و به آن جهت‌گیری الهی می‌بخشد (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۲۰). آیت‌الله جوادی آملی تأکید دارند که توحید، به عنوان مبنای هستی‌شناختی تمدن اسلامی، تمامی اجزای آن را در راستای هدف غایی خلقت هماهنگ می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰).

۲. عدالت اجتماعی: به عنوان یکی از ارکان اصلی تمدن اسلامی، به معنای توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و حقوق در جامعه است. این مفهوم در قرآن کریم (آیه ۲۵ سوره حدید) و در اندیشه امام خمینی (ره) به عنوان هدف اصلی نظام اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۱۹۵). عدالت در تمدن اسلامی، برخلاف رویکردهای لیبرال یا سوسیالیستی، در چارچوب شریعت تعریف شده و به دنبال تعادل بین نیازهای مادی و معنوی است (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۵).

۳. پیشرفت علمی و فناوری: تمدن اسلامی به طور تاریخی با پیشرفت های علمی در حوزه هایی نظیر ریاضیات، نجوم، پزشکی و فلسفه شناخته شده است. این مؤلفه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اولویت های تمدن سازی نوین مورد تأکید قرار گرفته و بر نقش علم و پژوهش به عنوان ابزار عزت و قدرت نظام اسلامی تأکید شده است (خامنه ای، ۱۳۹۷). پیشرفت علمی در تمدن اسلامی، برخلاف تمدن غربی، در خدمت ارزش های اخلاقی و انسانی قرار دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵).

۴. وحدت امت اسلامی: وحدت میان جوامع اسلامی، به عنوان یکی از مؤلفه های کلیدی تمدن اسلامی، در راستای تحقق امت واحده (قرآن کریم، آیه ۲۱۳ سوره بقره) تعریف می شود. این اصل، با تأکید بر همبستگی در برابر دشمنان مشترک و تقویت همکاری های منطقه ای، در اندیشه انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم به عنوان ضرورتی برای تمدن سازی مطرح است (خامنه ای، ۱۳۹۷).

۵. استقلال فرهنگی و سیاسی: تمدن اسلامی با تأکید بر استقلال از سلطه فرهنگ ها و قدرت های بیگانه، به دنبال حفظ هویت دینی و ملی است. این مؤلفه در انقلاب اسلامی ایران، به ویژه در مواجهه با تهاجم فرهنگی و تحریم های جهانی، به عنوان یکی از ارکان اصلی تمدن سازی مورد توجه قرار گرفته است (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۵، ص ۷۸). بیانیه گام دوم نیز بر ضرورت حفظ استقلال در برابر نظام سلطه تأکید دارد (خامنه ای، ۱۳۹۷).

۶. اخلاق و معنویت: تمدن اسلامی با تکیه بر ارزش‌های اخلاقی نظیر اخلاص، ایثار، راستگویی و توکل، فضایی معنوی برای رشد انسان ایجاد می‌کند. این مؤلفه، که در بیانیه گام دوم به‌عنوان یکی از اولویت‌های تمدن‌سازی معرفی شده، نظام اسلامی را از تمدن‌های مادی متمایز می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). آیت‌الله مطهری تأکید دارند که اخلاق اسلامی، به‌عنوان روح تمدن، به تمامی شئون اجتماعی نفوذ کرده و رفتار فردی و جمعی را جهت‌دهی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰).

تمدن اسلامی، با تکیه بر این مؤلفه‌ها، نه تنها به دنبال بازآفرینی دستاوردهای تاریخی خود است، بلکه در پی ارائه الگویی بدیل برای تمدن‌های معاصر است که بتواند نیازهای مادی و معنوی بشر را به‌صورت متوازن برآورده سازد. در این راستا، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با تأکید بر نقش نسل جوان و پیشرفت علمی، این مؤلفه‌ها را به‌عنوان پایه‌های تمدن نوین اسلامی معرفی کرده و بر ضرورت تقویت آن‌ها در برابر چالش‌های جهانی تأکید دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

گفتار چهارم: تبیین مفهومی "تمدن نوین اسلامی"

تمدن نوین اسلامی به‌عنوان مفهومی راهبردی در اندیشه انقلاب اسلامی، به بازآفرینی تمدن اسلامی در عصر مدرن با بهره‌گیری از دستاوردهای علمی، فناوری و مدیریتی، همراه با حفظ هویت دینی و استقلال فرهنگی اشاره دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۸). این مفهوم، که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان هدف کلان نظام جمهوری اسلامی ایران معرفی شده، به دنبال ایجاد الگویی تمدنی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای معاصر، از ارزش‌های اسلامی نظیر توحید، عدالت و معنویت صیانت کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۲). تمدن نوین اسلامی،

برخلاف تمدن‌های تاریخی اسلامی که در بسترهای خاص جغرافیایی و زمانی شکل گرفتند، به دنبال ارائه الگویی جهانی است که بتواند در برابر تمدن‌های مادی گرای غربی، به‌ویژه تمدن لیبرال-سرمایه‌داری، بدیلی کارآمد و ارزش‌محور ارائه دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵).

بند اول: ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی، با تکیه بر اصول اسلامی و تجارب انقلاب اسلامی، دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مشخصی است که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کند:

۱. توحیدمحوری و معنویت: تمدن نوین اسلامی، مانند تمدن‌های تاریخی اسلامی، بر اصل توحید استوار است. این اصل، که در قرآن کریم (آیه ۱ سوره اخلاص) به‌عنوان هسته مرکزی اعتقادات اسلامی معرفی شده، نه تنها در حوزه اعتقادی، بلکه در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز نمود دارد. توحیدمحوری، نظام تمدنی را از سلطه مادی‌گرایی رها کرده و به آن جهت‌گیری الهی می‌بخشد (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۲۰). بیانیه گام دوم بر تقویت معنویت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تمدن‌سازی تأکید کرده و آن را عاملی برای مقابله با انحطاط اخلاقی تمدن‌های غربی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

۲. عدالت‌محوری: عدالت، به‌عنوان یکی از اهداف اصلی بعثت انبیا (قرآن کریم، آیه ۲۵ سوره حدید)، در تمدن نوین اسلامی جایگاهی محوری دارد. این مفهوم، که در اندیشه امام خمینی (ره) به‌عنوان رکن نظام اسلامی تبیین شده، به معنای توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و حقوق در جامعه است (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۱۹۵). تمدن نوین

اسلامی، با الهام از این اصل، به دنبال رفع شکاف‌های طبقاتی و ایجاد جامعه‌ای متوازن است که در آن پیشرفت مادی با عدالت اجتماعی همراه باشد (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۵-۱۰۷).

۳. پیشرفت علمی و فناوری: تمدن نوین اسلامی بر نقش محوری علم و فناوری در تحقق عزت و اقتدار تأکید دارد. برخلاف تمدن‌های غربی که علم را اغلب در خدمت سودجویی و سلطه‌گری قرار داده‌اند، تمدن نوین اسلامی علم را در چارچوب ارزش‌های اخلاقی و انسانی به کار می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵). بیانیه گام دوم، با اشاره به دستاوردهای علمی ایران در حوزه‌هایی نظیر فناوری هسته‌ای، نانو و سلول‌های بنیادی، بر ضرورت جهش علمی برای تحقق تمدن نوین تأکید کرده و نسل جوان را محور این حرکت می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

۴. استقلال فرهنگی و سیاسی: تمدن نوین اسلامی، با تأکید بر استقلال از سلطه فرهنگی و سیاسی قدرت‌های بیگانه، به دنبال حفظ هویت دینی و ملی است. این اصل، که ریشه در آرمان‌های انقلاب اسلامی دارد، در برابر تهاجم فرهنگی و جهانی‌سازی غربی به عنوان سپری برای صیانت از ارزش‌های اسلامی عمل می‌کند (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۵، ص ۷۸). بیانیه گام دوم، استقلال را یکی از شعارهای همیشه زنده انقلاب دانسته و بر ضرورت تقویت آن در برابر نظام سلطه تأکید دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

۵. جهان‌شمولی و وحدت امت اسلامی: تمدن نوین اسلامی، برخلاف تمدن‌های تاریخی که عمدتاً در محدوده‌های جغرافیایی خاص شکل گرفتند، رویکردی جهانی دارد و به دنبال تحقق امت واحده اسلامی است (قرآن کریم، آیه ۲۱۳ سوره بقره).

این مؤلفه، با تأکید بر همبستگی میان جوامع اسلامی و حمایت از مستضعفان جهان، در بیانیه گام دوم به عنوان یکی از اهداف تمدن‌سازی مطرح شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۰). این رویکرد، نظام جمهوری اسلامی را به عنوان پیشگام نهضت بیداری اسلامی در منطقه و جهان معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۰).

۶. انعطاف‌پذیری و پویایی: تمدن نوین اسلامی، با حفظ اصول ثابت اسلامی، از انعطاف‌پذیری لازم برای پاسخگویی به نیازهای زمانه برخوردار است. این ویژگی، که در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان «زمان و مکان در اجتهاد» مطرح شده، امکان تطبیق نظام اسلامی با شرایط مدرن را فراهم می‌کند (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۹۸). بیانیه گام دوم نیز بر پویایی نظام انقلابی تأکید کرده و آن را از رکود و انفعال دور می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

بند دوم: تمایز تمدن نوین اسلامی از تمدن‌های دیگر

تمدن نوین اسلامی، در مقایسه با تمدن‌های تاریخی اسلامی، از ویژگی‌های متمایزی برخوردار است. این تمدن، با بهره‌گیری از تجارب انقلاب اسلامی و دستاوردهای علمی و فناوری مدرن، به دنبال بازتعریف تمدن اسلامی در بستر جهانی‌سازی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۰). برخلاف تمدن‌های غربی که بر فردگرایی، مادی‌گرایی و سلطه‌گری استوارند، تمدن نوین اسلامی بر جمع‌گرایی، معنویت و عدالت تأکید دارد (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲). همچنین، این تمدن در برابر چالش‌های جهانی‌سازی، مانند تهاجم فرهنگی و اقتصاد وابسته، با تکیه بر استقلال و هویت دینی، الگویی مقاوم و پایدار ارائه می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸).

بند سوم: نقش بیانیه گام دوم در تبیین تمدن نوین اسلامی

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی را به عنوان افق نهایی نظام جمهوری اسلامی معرفی کرده و آن را در سه مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تعریف می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۸). این بیانیه، با تأکید بر نقش نسل جوان، پیشرفت علمی و حفظ ارزش‌های انقلابی، چارچوبی عملی برای تحقق این تمدن ارائه می‌دهد. به‌ویژه، توصیه‌های هفت‌گانه بیانیه (علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و مرزبندی با دشمن، و سبک زندگی) به عنوان راهبردهای اصلی تمدن‌سازی معرفی شده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). این سند، با ترسیم چشم‌اندازی امیدبخش، نظام جمهوری اسلامی را به عنوان پیشگام تمدن نوین اسلامی معرفی کرده و بر ضرورت تقویت زیرساخت‌های فکری و عملی آن تأکید دارد.

مبحث دوم: مبانی فکری و ارزشی جمهوری اسلامی ایران

گفتار اول: توحید و خدامحوری در نظام فکری

توحید و خدامحوری، به عنوان رکن بنیادین نظام فکری جمهوری اسلامی ایران، نه تنها پایه اعتقادی این نظام را تشکیل می‌دهد، بلکه چارچوبی جامع برای تمامی شئون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن فراهم می‌کند. توحید، که در قرآن کریم به عنوان اصل محوری اعتقادات اسلامی معرفی شده (قرآن کریم، آیه ۱ سوره اخلاص)، در اندیشه سیاسی اسلامی به معنای محوریت خداوند در قانون‌گذاری، حاکمیت و جهت‌گیری‌های تمدنی است (خمينی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۲۰). این اصل، نظام جمهوری اسلامی را از نظام‌های مادی‌گرا و سکولار

متمایز کرده و آن را به سمت تحقق حاکمیت الهی در بستر اراده مردمی هدایت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۷۸).

در اندیشه امام خمینی (ره)، توحید نه تنها در حوزه اعتقادی، بلکه در ساحت عملی نیز نمود دارد. ایشان در «صحیفه امام» تأکید دارند که توحید، نظام سیاسی را از وابستگی به قدرت‌های مادی رها کرده و آن را به سوی استقلال و خودکفایی سوق می‌دهد (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۲۴۸). این دیدگاه، که ریشه در آیات قرآنی نظیر «إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ» (آیه ۵۷ سوره یوسف) دارد، حاکمیت الهی را به عنوان مبنای مشروعیت نظام سیاسی معرفی می‌کند. در این چارچوب، حاکمیت انسانی تنها در صورتی مشروع است که در راستای اجرای احکام الهی و تحقق اهداف توحیدی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز توحید را به عنوان یکی از ارکان اصلی تمدن‌سازی نوین اسلامی معرفی کرده و بر ضرورت حفظ این اصل در برابر انحرافات فکری و تهاجم فرهنگی تأکید دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴). این بیانیه، با اشاره به نقش توحید در ایجاد انسجام فکری و عملی، نسل جوان را به تقویت این اصل در تمامی ابعاد زندگی دعوت می‌کند تا نظام اسلامی به عنوان الگویی برای سعادت بشری مطرح شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۲). آیت‌الله مطهری نیز در آثار خود، توحید را به عنوان روح تمدن اسلامی معرفی کرده و تأکید دارند که این اصل، تمامی شئون تمدنی را در راستای هدف غایی خلقت هماهنگ می‌سازد (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

خدامحوری در نظام فکری جمهوری اسلامی، در ساختارهای سیاسی و اجتماعی آن نیز نمود عینی دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر حاکمیت الهی و نقش ولایت فقیه

به عنوان نماینده این حاکمیت، توحید را به عنوان محور نظام سیاسی تثبیت کرده است (قانون اساسی، ۱۳۵۸، اصل ۲، ص ۶). این اصل، نه تنها در قانون گذاری، بلکه در سیاست گذاری های کلان، از جمله سیاست خارجی و اقتصاد مقاومتی، به عنوان مبنای تصمیم گیری عمل می کند. به عنوان مثال، تأکید بر استقلال سیاسی و اقتصادی در برابر قدرت های جهانی، که در بیانیه گام دوم به عنوان یکی از شعارهای همیشه زنده انقلاب معرفی شده، ریشه در اصل توحید و نفی طاغوت دارد (خامنه ای، ۱۳۹۷، ص ۶؛ قرآن کریم، آیه ۲۵۶ سوره بقره).

علاوه بر این، توحیدمحوری در نظام فکری جمهوری اسلامی، به عنوان عاملی برای ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی عمل می کند. آیت الله جوادی آملی تأکید دارند که توحید، با ایجاد پیوند بین افراد و نهادهای جامعه، زمینه ساز انسجام اجتماعی و تحقق امت واحده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۸۲). این اصل، در برابر رویکردهای فردگرایانه تمدن های غربی، جمع گرایی اسلامی را ترویج کرده و جامعه را به سمت ارزش های اخلاقی و معنوی هدایت می کند (شریعتی، ۱۳۹۰، ص ۶۵).

با این حال، تحقق کامل توحیدمحوری در نظام فکری و عملی جمهوری اسلامی، نیازمند غلبه بر چالش هایی نظیر نفوذ تفکرات سکولار، مادی گرایی و تحریف ارزش های دینی است. بیانیه گام دوم، با هشدار نسبت به این چالش ها، بر نقش نسل جوان در صیانت از توحید و خدامحوری تأکید کرده و آن را به عنوان پیش نیاز تمدن سازی نوین اسلامی معرفی می کند (خامنه ای، ۱۳۹۷). در این راستا، تقویت آموزش های دینی، ترویج فرهنگ توحیدی در رسانه ها و نهادهای فرهنگی، و مقابله با تهاجم فرهنگی، به عنوان راهکارهایی برای تحکیم این اصل در نظام فکری جمهوری اسلامی مطرح هستند (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰).

گفتار دوم: عدالت به عنوان رکن سیاسی و اجتماعی

عدالت، به عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام فکری و ارزشی جمهوری اسلامی ایران، جایگاهی محوری در ساختار سیاسی و اجتماعی این نظام دارد. در اندیشه اسلامی، عدالت نه تنها هدفی اخلاقی، بلکه ضرورتی برای تحقق جامعه‌ای متوازن و سعادتمند است که ریشه در تعالیم قرآنی، به ویژه آیه ۲۵ سوره حدید («لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ») دارد (قرآن کریم). این اصل، در نظام جمهوری اسلامی، به معنای توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و حقوق در جامعه، رفع تبعیض‌های طبقاتی، و ایجاد تعادل بین نیازهای مادی و معنوی تعریف شده است (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۱۹۵). عدالت، به عنوان رکنی سیاسی و اجتماعی، نه تنها در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری، بلکه در تمامی شئون حکومتی و اجتماعی نظام اسلامی نمود دارد و به عنوان یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است (قانون اساسی، ۱۳۵۸، اصل ۳).

در اندیشه امام خمینی (ره)، عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی معرفی شده و ایشان آن را شرط مشروعیت نظام سیاسی می‌دانند. در «صحیفه امام»، ایشان تأکید دارند که نظام اسلامی باید به گونه‌ای عمل کند که محرومان و مستضعفان، که ستون فقرات انقلاب هستند، از مواهب عدالت بهره‌مند شوند (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۲۷۸). این دیدگاه، که ریشه در سیره حکومتی امیرالمؤمنین علی (ع) دارد، عدالت را نه تنها به معنای برابری حقوقی، بلکه به عنوان رفع محرومیت‌ها و حمایت از طبقات ضعیف تعریف می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۰). آیت‌الله مطهری نیز در آثار خود، عدالت اسلامی را از عدالت لیبرال یا سوسیالیستی متمایز کرده و آن را در چارچوب شریعت و ارزش‌های توحیدی

تبیین می‌کنند که هدف آن تحقق سعادت دنیوی و اخروی است (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷-۱۱۰).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، عدالت را به‌عنوان یکی از شعارهای همیشه زنده انقلاب و رکنی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی معرفی کرده و بر ضرورت رفع فاصله بین «بایدها و واقعیت‌ها» در این حوزه تأکید دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). این بیانیه، با اذعان به کاستی‌های موجود در اجرای عدالت، به‌ویژه در توزیع منابع عمومی و مبارزه با فساد، نسل جوان را به‌عنوان نیروی محرک برای تحقق عدالت فرا می‌خواند و بر لزوم ایجاد سازوکارهای کارآمد برای رفع تبعیض و محرومیت تأکید می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۸). همچنین، بیانیه بر مبارزه با فساد به‌عنوان پیش‌نیاز عدالت تأکید کرده و آن را لازمه مشروعیت نظام اسلامی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، عدالت در اصول قانون اساسی، به‌ویژه اصل ۳ (بندهای ۹ و ۱۲)، به‌عنوان یکی از وظایف اصلی نظام تثبیت شده است. این اصل، دولت را موظف به رفع تبعیضات ناروا، ایجاد امکانات عادلانه برای همه، و حمایت از محرومان می‌کند (قانون اساسی، ۱۳۵۸). در ساحت اجتماعی، عدالت در قالب سیاست‌هایی نظیر گسترش خدمات عمومی (آموزش، بهداشت، زیرساخت‌ها) و برنامه‌های محرومیت‌زدایی نمود یافته است. با این حال، چالش‌هایی نظیر ناکارآمدی‌های مدیریتی، فساد اقتصادی و شکاف‌های طبقاتی، موانعی در مسیر تحقق کامل عدالت ایجاد کرده‌اند که در بیانیه گام دوم به‌عنوان اولویت‌های اصلاحی مورد توجه قرار گرفته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

از منظر متفکران اسلامی، عدالت در نظام جمهوری اسلامی فراتر از یک اصل حقوقی یا اقتصادی، به عنوان روح حاکم بر تمامی سیاست‌ها و برنامه‌ها عمل می‌کند. آیت‌الله مصباح یزدی تأکید دارند که عدالت اسلامی، با تکیه بر شریعت و عقلانیت دینی، از عدالت سکولار متمایز است، زیرا هدف آن نه تنها تأمین نیازهای مادی، بلکه ارتقای معنوی و اخلاقی جامعه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۰). همچنین، سید حسین نصر عدالت اسلامی را به عنوان عاملی برای ایجاد توازن بین فرد و جامعه معرفی کرده و آن را پایه‌ای برای تمدن‌سازی می‌داند (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). در این راستا، تقویت نهادهای نظارتی، اصلاح ساختارهای اقتصادی، و ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی، به عنوان راهکارهایی برای تحقق این اصل در نظام جمهوری اسلامی پیشنهاد شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۵).

عدالت، به عنوان رکن سیاسی و اجتماعی، نه تنها در تحکیم مشروعیت نظام اسلامی نقش دارد، بلکه به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تمدن نوین اسلامی، زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای آرمانی است که در آن فقر، تبعیض و محرومیت به حداقل برسد. بیانیه گام دوم، با تأکید بر نقش نسل جوان و مدیران انقلابی در این مسیر، عدالت را به عنوان هدفی مقدس معرفی کرده که تحقق آن نیازمند جهاد همه‌جانبه و اصلاحات ساختاری است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

گفتار سوم: کرامت انسان و آزادی در نگاه اسلامی

کرامت انسان و آزادی، به عنوان دو ارزش بنیادین در نظام فکری و ارزشی جمهوری اسلامی ایران، ریشه در تعالیم اسلامی داشته و به عنوان ارکان اصلی هویت انسانی و اجتماعی در این نظام مطرح هستند. کرامت انسانی، که در قرآن کریم به عنوان «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (آیه ۷۰ سوره اسراء) بیان شده، به معنای احترام ذاتی به انسان به عنوان خلیفه الله و دارای روح الهی

است (قرآن کریم). این اصل، در اندیشه اسلامی، نه تنها حقوق فردی، بلکه مسئولیت‌های اجتماعی انسان را نیز در بر می‌گیرد و پایه‌ای برای آزادی، عدالت و معنویت فراهم می‌کند (جواد آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۵). آزادی نیز، در نگاه اسلامی، به معنای رهایی از بندهای مادی، نفسانی و استبدادی است که انسان را به سوی کمال الهی هدایت می‌کند، نه آزادی بی‌قید و شرط غربی که اغلب به هرج و مرج منجر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵-۱۳۸).

در اندیشه امام خمینی (ره)، کرامت انسانی به عنوان یکی از اهداف انقلاب اسلامی معرفی شده و ایشان تأکید دارند که نظام اسلامی باید انسان را در جایگاه واقعی خود، یعنی خلیفه الله، قرار دهد و از هرگونه تحقیر یا استثمار او جلوگیری کند (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۰، ص ۳۴۵). این دیدگاه، که ریشه در سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) دارد، کرامت را نه تنها به معنای حقوق برابر، بلکه به عنوان احترام به عقل، اراده و مسئولیت انسان در برابر خداوند تعریف می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۵). آزادی نیز در آثار ایشان، در چارچوب شریعت و مسئولیت‌پذیری تعریف شده و به عنوان ابزاری برای رشد معنوی و اجتماعی انسان مطرح است (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۴۱۲).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، کرامت انسانی و آزادی را به عنوان دو ارزش همیشه زنده انقلاب معرفی کرده و بر ضرورت حفظ آن‌ها در برابر تحریف‌های داخلی و خارجی تأکید دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). این بیانیه، با اشاره به آزادی اجتماعی به عنوان حق تصمیم‌گیری و عمل در چارچوب اخلاق و قانون الهی، نسل جوان را به تقویت این ارزش‌ها در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی فرا می‌خواند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). همچنین، بیانیه بر استقلال به عنوان جلوه‌ای از

آزادی ملی تأکید کرده و آن را از آزادی‌های فردی جدا می‌داند که نباید با ارزش‌های الهی در تضاد باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کرامت انسانی در اصل ۲۲ به‌عنوان حق ذاتی افراد تثبیت شده و دولت را موظف به حفظ آن می‌کند (قانون اساسی، ۱۳۵۸، اصل ۲۲، ص ۱۲). آزادی نیز در اصول ۲۳ تا ۲۶، در چارچوب عدم تعارض با اسلام و حقوق عمومی، تضمین شده است (قانون اساسی، ۱۳۵۸). این اصول، آزادی بیان، عقیده و اجتماعات را در بستر ارزش‌های اسلامی تعریف کرده و از آزادی‌های مخرب جلوگیری می‌کنند. آیت‌الله جوادی آملی تأکید دارند که کرامت انسانی در اسلام، انسان را به‌عنوان موجودی آزاد و مسئول معرفی می‌کند که آزادی او در خدمت کمال الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۰).

از منظر متفکران اسلامی، کرامت و آزادی در نگاه اسلامی، از رویکردهای لیبرال غربی متمایز هستند. آیت‌الله مطهری آزادی اسلامی را به‌عنوان رهایی از نفس اماره و سلطه بیگانگان تعریف کرده و آن را پایه‌ای برای کرامت انسانی می‌داند (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰). سید حسین نصر نیز کرامت را به‌عنوان جلوه‌ای از توحید در انسان معرفی کرده و تأکید دارد که آزادی واقعی تنها در سایه کرامت الهی محقق می‌شود (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰). در این راستا، چالش‌هایی نظیر سوءاستفاده از آزادی در رسانه‌ها، نفوذ فرهنگ لیبرال، و تضعیف کرامت از طریق فقر یا تبعیض، موانعی در مسیر تحقق این ارزش‌ها هستند که بیانیه گام دوم بر ضرورت مقابله با آن‌ها تأکید دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۰).

تحقق کرامت انسانی و آزادی در نظام جمهوری اسلامی، نیازمند تقویت آموزش‌های دینی، ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری، و ایجاد سازوکارهای حقوقی برای حفاظت از حقوق افراد

است. این ارزش‌ها، به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی تمدن نوین اسلامی، زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای هستند که در آن انسان‌ها با حفظ کرامت خود، در مسیر کمال الهی حرکت کنند (شریعتی، ۱۳۹۰، ص ۸۵). بیانیه گام دوم، با تأکید بر نقش جوانان در این مسیر، این ارزش‌ها را به‌عنوان پایه‌های تمدن‌سازی معرفی کرده و بر ضرورت تعادل بین آزادی و مسئولیت تأکید دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۹).

گفتار چهارم: ولایت فقیه و رهبری دینی در نظام تمدنی

ولایت فقیه، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام فکری و ارزشی جمهوری اسلامی ایران، نقش رهبری دینی را در هدایت سیاسی، اجتماعی و تمدنی جامعه اسلامی بر عهده دارد. این اصل، که توسط امام خمینی (ره) در کتاب «ولایت فقیه: حکومت اسلامی» و آثار عملی ایشان تبیین شده، به معنای ادامه ولایت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در عصر غیبت است و فقیه جامع‌الشرایط را به‌عنوان نائب امام زمان (عج) برای اداره امور جامعه معرفی می‌کند (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۵). ولایت فقیه، نه تنها پایه مشروعیت نظام سیاسی، بلکه چارچوبی برای حفظ اسلامیت نظام و هدایت آن به سوی اهداف تمدنی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵).

در اندیشه امام خمینی (ره)، ولایت فقیه ضرورتی برای جلوگیری از انحراف نظام اسلامی و تحقق عدالت، استقلال و معنویت است. ایشان تأکید دارند که «ولایت فقیه همان ولایت رسول‌الله است» و فقیه عادل، با تکیه بر شریعت، مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده دارد (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۰، ص ۴۵۸). این اصل، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان محور نظام سیاسی تثبیت شده و اصل ۵۷ بر نقش رهبری در تعیین سیاست‌های کلان و نظارت

بر اجرای آن تأکید دارد (قانون اساسی، ۱۳۵۸، اصل ۵۷). آیت‌الله جوادی آملی ولایت فقیه را به عنوان پلی بین شریعت و سیاست معرفی کرده و آن را عامل انسجام تمدنی در نظام اسلامی می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۰).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ولایت فقیه را به عنوان یکی از مبانی کلیدی نظام انقلابی معرفی کرده و بر ضرورت حفظ آن در مسیر تمدن‌سازی تأکید دارد. در این بیانیه آمده است: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست» و این پویایی در سایه رهبری دینی محقق می‌شود. همچنین، بیانیه با اشاره به نقش رهبری در حفظ شعارهای انقلاب، می‌گوید: «به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد» که این بیان، ولایت فقیه را به عنوان حافظ ارزش‌های دینی در نظام تمدنی برجسته می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴).

رهبری دینی در نظام تمدنی، نقش هدایت‌گر در مراحل خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی را ایفا می‌کند. بیانیه گام دوم تأکید دارد که «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند» و این دفاع، در سایه ولایت فقیه به عنوان محور نظام انقلابی ممکن است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). آیت‌الله مطهری نیز ولایت فقیه را به عنوان عاملی برای حفظ هویت اسلامی در برابر سکولاریسم و استبداد معرفی کرده و آن را پایه‌ای برای تمدن‌سازی می‌داند (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۰).

از منظر متفکران اسلامی، ولایت فقیه در نظام تمدنی، فراتر از یک نهاد سیاسی، به عنوان روح حاکم بر تمامی ساختارها عمل می کند. سید حسین نصر تأکید دارد که رهبری دینی، با تکیه بر عقلانیت و شریعت، جامعه را از انحرافات مدرن حفظ کرده و به سوی تمدن نوین اسلامی هدایت می کند (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵). چالش هایی نظیر تضعیف اقتدار رهبری از طریق جنگ نرم، تحریف مفهوم ولایت، یا ناکارآمدی های مدیریتی، موانعی در مسیر نقش آفرینی آن هستند که بیانیه گام دوم با جمله «رهبری آسمانی و تأییدشده ی امام عظیم الشان ما» بر ضرورت تقویت آن در برابر این چالش ها تأکید دارد (خامنه ای، ۱۳۹۷).

تحقق کامل ولایت فقیه در نظام تمدنی، نیازمند تقویت پیوند مردم با رهبری، آموزش مفاهیم ولایی، و ایجاد سازوکارهای نظارتی برای اجرای احکام الهی است. بیانیه گام دوم، با دعوت از نسل جوان، می گوید: «شما باید که باید کار آزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحناfade) است، نزدیک کنید» که این بیان، ولایت فقیه را به عنوان محور تمدن سازی و آمادگی برای ظهور معرفی می کند (خامنه ای، ۱۳۹۷). این اصل، به عنوان مؤلفه کلیدی تمدن نوین اسلامی، نظام جمهوری اسلامی را به سوی الگویی جهانی هدایت می کند (شریعتی، ۱۳۹۰، ص ۹۵).

مبحث سوم: گام دوم انقلاب و پیوند آن با مبانی تمدنی

گفتار اول: تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، منتشرشده در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ توسط آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، سندی راهبردی است که محتوای آن بر پایه تحلیل دستاوردها، چالش‌ها و افق‌های آینده نظام جمهوری اسلامی تدوین شده و مبانی فکری و ارزشی تمدنی را به‌عنوان محور اصلی پیشرفت در مرحله دوم حیات انقلاب معرفی می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱). این بیانیه، با ساختار منظم و لحن خطابی مستقیم به نسل جوان، محتوای خود را در سه بخش اصلی دستاوردها، چالش‌ها و توصیه‌های هفت‌گانه ارائه می‌دهد و هر بخش را با پیوند به مبانی توحید، عدالت، کرامت انسانی، ولایت فقیه و استقلال تمدنی غنی می‌سازد.

بند اول: بخش دستاوردها: تثبیت مبانی تمدنی در عمل

بیانیه با جمله «محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملت مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، پیشرو در عرصه‌های گوناگون، و دارای ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر» آغاز می‌کند و دستاوردهای انقلاب را تجلی عملی مبانی فکری معرفی می‌نماید (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۳). این دستاوردها در هفت حوزه کلیدی تحلیل شده‌اند:

- استقلال سیاسی و فرهنگی: ایران امروز از نظر بین‌المللی، کشوری مقتدر، صاحب عزت، و دارای جایگاه برجسته در منطقه و جهان است» که ریشه در اصل توحید و نفی سلطه دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۶).

- پیشرفت علمی: ایران در علم و فناوری، در مرزهای دانش جهانی پیش میرود» که عدالت در دسترسی به علم و کرامت انسانی را محقق می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۴).

- معنویت و اخلاق: جوانان متدین، انقلابی، و پرشور، امید آینده‌ی کشورند» که ولایت فقیه را به‌عنوان حافظ این معنویت معرفی می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۶).
- این تحلیل، دستاوردها را نه صرفاً مادی، بلکه تجلی مبانی ارزشی در عرصه تمدنی می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۰).

بند دوم: بخش چالش‌ها: هشدار نسبت به انحراف از مبانی

بیانیه با صراحت چالش‌ها را شناسایی کرده و آن‌ها را ناشی از غفلت از مبانی تمدنی می‌داند: «اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود، بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این هم بیشتر و مشکلات کنونی کمتر می‌بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۳). چالش‌های کلیدی عبارتند از:

- فساد و ناکارآمدی: فساد اقتصادی و اداری، آفت بزرگ نظام اداری کشور است» که عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۰).
- تهاجم فرهنگی: جنگ نرم دشمن برای تضعیف باورها و تغییر سبک زندگی» که کرامت انسانی و آزادی اسلامی را هدف گرفته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۹).

- شکاف طبقاتی: فاصله‌ی طبقاتی و تبعیض ناروا، خلاف روح انقلاب است» که عدالت را زیر سؤال می‌برد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

این چالش‌ها، به‌عنوان موانع تمدن‌سازی، تنها با بازگشت به مبانی فکری قابل رفع هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۴۰).

بند سوم: بخش توصیه‌های هفت‌گانه: نقشه عملیاتی مبانی تمدنی

بیانیه با ارائه هفت توصیه راهبردی، مبانی فکری را به برنامه عملی تبدیل می‌کند:

۱. علم و پژوهش: علم، موتور محرک پیشرفت همه‌جانبه است» → پیوند با عدالت در دسترسی به دانش (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۴).

۲. معنویت و اخلاق: «معنویت، روح انقلاب است» → توحیدمحوری در رفتار فردی و اجتماعی (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

۳. اقتصاد: اقتصاد مقاومتی، کلید حل مشکلات اقتصادی است» → استقلال تمدنی (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۷).

۴. عدالت و مبارزه با فساد: عدالت، زیربنای همه‌ی پیشرفت‌هاست» ← رکن جامعه‌پردازی (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

۵. استقلال و آزادی: «آزادی در چارچوب اخلاق و قانون الهی» ← کرامت انسانی (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

۶. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: «عزت ملی، محصول ایستادگی

است» ← ولایت فقیه به عنوان حافظ عزت (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۹).

۷. سبک زندگی: «سبک زندگی اسلامی، سپر در برابر تهاجم فرهنگی است» ← حفظ

هویت تمدنی (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۰).

این توصیه‌ها، مبانی نظری را به سیاست‌های عملیاتی تبدیل کرده و گام دوم را به عنوان مرحله

تمدن‌سازی عملیاتی می‌کنند (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰).

بند چهارم: ساختار سه گانه تمدن‌سازی

بیانیه محتوای خود را بر پایه سه مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی، تمدن‌سازی بنا نهاده و هر

مرحله را با مبانی پیوند می‌دهد:

- خودسازی: جوانان باید خود را بسازند تا جامعه را بسازند → توحید و کرامت

(خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۰).

- جامعه‌پردازی: جامعه‌ی اسلامی، الگوی عملی برای جهان است → عدالت و ولایت

(خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۲).

- تمدن‌سازی: تمدن نوین اسلامی، هدف نهایی انقلاب است → همه مبانی در کنار

هم (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۸).

این ساختار، بیانیه را به نقشه راه تمدنی تبدیل می‌کند (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵).

بند پنجم: نتیجه‌گیری تحلیلی

بیانیه گام دوم، محتوای خود را بر پایه تحلیل واقع‌بینانه دستاوردها، هشدار جدی نسبت به چالش‌ها، و ارائه راهبردهای عملی تدوین کرده و همه را به مبانی فکری و ارزشی متصل می‌نماید. جمله پایانی بیانیه، «جوانان عزیز! آینده مال شماست و شما هستید که باید این تاریخ پر افتخار را با عزّت و اقتدار به پیش ببرید»، مسئولیت تمدن‌سازی را بر دوش نسل جوان نهاده و مبانی را به‌عنوان چراغ راه معرفی می‌کند.

گفتار دوم: نسبت گام دوم با آرمان‌های انقلاب اسلامی

گام دوم انقلاب اسلامی، به‌عنوان ادامه‌ی منطقی و عملیاتی آرمان‌های انقلاب ۱۳۵۷، نه‌تنها آن‌ها را حفظ، بلکه به سطح بالاتری از تحقق تمدنی ارتقا می‌دهد. بیانیه گام دوم، با جمله «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند»، تأکید دارد که گام دوم، تجدید حیات آرمان‌های اولیه در بستر شرایط نوین است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴). این نسبت، در سه سطح تداوم، تکامل و تحقق عملی قابل تحلیل است.

بند اول: تداوم آرمان‌ها: شعارهای همیشه زنده

بیانیه گام دوم، آرمان‌های انقلاب را «شعارهای فطری» و «همیشه زنده» معرفی کرده و بر عدم انفعال از آن‌ها تأکید دارد: «آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای

دیگر افول کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳). این بیان، نشان‌دهنده‌ی تداوم مستقیم آرمان‌هایی است که در شعارهای اولیه‌ی انقلاب (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) تجلی یافته بودند:

- استقلال: همانند شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، بیانیه می‌گوید: «استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، رکن رکن انقلاب است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۶).
 - آزادی: در چارچوب اسلامی، نه لیبرال: «آزادی در چارچوب اخلاق و قانون الهی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۸).
 - جمهوری اسلامی: حفظ همزمان جمهوریت و اسلامیت: «جمهوریت و اسلامیت، دو رکن لاینفک نظام هستند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴).
- این تداوم، گام دوم را به‌عنوان حافظ هویت انقلابی معرفی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۰).

بند دوم: تکامل آرمان‌ها: از شعار به تمدن

گام دوم، آرمان‌های انقلاب را از سطح شعار به سطح تمدنی ارتقا می‌دهد. بیانیه می‌گوید: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴). این تکامل در چند محور مشهود است:

جدول ۱. تکامل آرمان ها

آرمان انقلاب (۱۳۵۷)	تکامل در گام دوم (۱۳۹۷)	نقل مستقیم از بیانیه
استقلال	استقلال تمدنی (علمی، فرهنگی، اقتصادی)	ایران در علم و فناوری، در مرزهای دانش جهانی پیش می رود» (ص ۱۴)
آزادی	آزادی در تمدن سازی (خودسازی، جامعه پردازی)	شما باید... کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید» (ص ۱۰)
عدالت	عدالت تمدنی (رفع شکاف طبقاتی، مبارزه با فساد)	کفّهی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد» (ص ۱۶)
معنویت	معنویت تمدنی (سبک زندگی اسلامی)	سبک زندگی اسلامی، سپر در برابر تهاجم فرهنگی است» (ص ۲۰)

این جدول، نشان دهنده ی توسعه ی مفهومی و عملیاتی آرمان ها در گام دوم است.

بند سوم: تحقق عملی آرمان‌ها: از نظریه به عمل

گام دوم، آرمان‌ها را از حالت نظری به عملیاتی تبدیل می‌کند. بیانیه با جمله «محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملّتی مستقل، آزاد، مقتدر...» دستاوردهای عملی را تجلی آرمان‌های اولیه می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۳). این تحقق در سه مرحله‌ی تمدنی نمود می‌یابد:

۱. خودسازی: تحقق آرمان آزادی در سطح فردی: «جوانان باید خود را بسازند تا جامعه را بسازند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۰).

۲. جامعه‌پردازی: تحقق عدالت و استقلال در سطح اجتماعی: «اقتصاد مقاومتی، کلید حل مشکلات اقتصادی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۷).

۳. تمدن‌سازی: تحقق همه آرمان‌ها در سطح جهانی: «تمدن نوین اسلامی، هدف نهایی انقلاب است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۸).

این مراحل، آرمان‌های انقلاب را به نقشه‌ی عملی تمدنی تبدیل می‌کنند.

بند چهارم: هشدار نسبت به انحراف از آرمان‌ها

بیانیه، با صراحت هشدار می‌دهد که هرگونه غفلت از آرمان‌ها، به انحراف منجر می‌شود: «اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود، بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این هم بیشتر و مشکلات کنونی کمتر می‌بود»

(خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۳). این هشدار، گام دوم را به عنوان احیاء گرامر آرمان‌های اولیه در برابر تحریف و انفعال معرفی می‌کند.

بند پنجم: نتیجه‌گیری: گام دوم، احیاء و ارتقاء آرمان‌ها

گام دوم انقلاب، نه تنها آرمان‌های ۱۳۵۷ را حفظ کرده، بلکه آن‌ها را در قالب تمدن نوین اسلامی احیاء، تکامل و عملیاتی نموده است. بیانیه با جمله پایانی «جوانان عزیز! آینده مال شماست و شما هستید که باید این تاریخ پر افتخار را با عزت و اقتدار به پیش ببرید»، مسئولیت این ارتقاء را بر دوش نسل جدید نهاده و تأکید دارد که «شما هستید که باید... آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۰). این بیان، گام دوم را به عنوان مرحله‌ی نهایی تحقق آرمان‌های انقلاب در افق تمدنی معرفی می‌کند (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰).

گفتار سوم: اصول هفت‌گانه گام دوم در پرتو مبانی فکری نظام

اصول هفت‌گانه گام دوم انقلاب اسلامی، که در بیانیه به عنوان توصیه‌های راهبردی معرفی شده‌اند، مستقیماً در پرتو مبانی فکری نظام (توحید، عدالت، کرامت انسانی، ولایت فقیه) تبیین و عملیاتی می‌شوند. بیانیه تأکید دارد: «این‌ها هفت سرفصل عمده برای حرکت کشور به سوی آینده است» و هر اصل را با پیوند به مبانی ارزشی غنی می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۴). این اصول، نقشه عملی تحقق تمدن نوین اسلامی هستند.

جدول ۲. اصول هفت گانه گام دوم در پرتو مبانی فکری نظام

اصل هفت گانه (نقل مستقیم از بیانیه)	مبنای فکری مرتبط	تحلیل در پرتو مبنا
۱. علم و پژوهش: علم، موتور محرک پیشرفت همه جانبه است» (ص ۱۴)	عدالت + کرامت انسانی	علم به عنوان حق فطری انسان (کرامت) و توزیع عادلانه دانش (عدالت) برای تمدن سازی.
۲. معنویت و اخلاق: معنویت، روح انقلاب است» (ص ۱۶)	توحید + ولایت فقیه	معنویت به عنوان جلوه توحید در رفتار فردی؛ ولایت فقیه حافظ اخلاق تمدنی.
۳. اقتصاد: اقتصاد مقاومتی، کلید حل مشکلات اقتصادی است» (ص ۱۷)	استقلال (از توحید) + عدالت	اقتصاد مقاومتی برای رهایی از سلطه (توحید) و توزیع عادلانه ثروت.
۴. عدالت و مبارزه با فساد: عدالت، زیربنای همه‌ی پیشرفت هاست» (ص ۱۶)	عدالت + کرامت انسانی	عدالت مستقیماً مبنای فکری؛ فساد، نفی کرامت محرومان است.
۵. استقلال و آزادی: آزادی در چارچوب اخلاق و قانون الهی» (ص ۱۸)	کرامت انسانی + توحید	آزادی واقعی در رهایی از نفس و سلطه (توحید)؛ کرامت، پایه آزادی مسئولانه.

ولایت فقیه + ولایت فقیه محور عزت؛ مرزبندی برای حفظ استقلال تمدنی.	ولایت فقیه + استقلال	۶. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: عزت ملی، محصول ایستادگی است» (ص ۱۹)
سبک زندگی، جلوه عملی توحید در روزمره؛ معنویت، روح سبک زندگی اسلامی.	توحید + معنویت	۷. سبک زندگی: سبک زندگی اسلامی، سپر در برابر تهاجم فرهنگی است» (ص ۲۰)

بیانیه می گوید: «این هفت مسئله، مسائل اصلی کشورند و پیشرفت در آنها به معنای پیشرفت انقلاب و کشور است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۴). این اصول، مبانی فکری را از نظریه به عمل تبدیل کرده و تمدن نوین اسلامی را عملیاتی می کنند.

گفتار چهارم: نقش نسل جوان و علم در تحقق تمدن نوین اسلامی

نسل جوان و علم، به عنوان دو محور محوری گام دوم، نقش کلیدی در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا می کنند. بیانیه با جمله «اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم... سخن بگویم»، نسل جوان را مخاطب اصلی و عامل اصلی تمدن‌سازی معرفی می کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۹).

- نسل جوان: شما جوانان عزیز باید... کار آزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش... نزدیک کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۰). نقش جوانان در سه مرحله:

۱. خودسازی: جوانان باید خود را بسازند» (ص ۱۰).

۲. جامعه‌پردازی: چشم‌امید برای اجرای عدالت به شما جوانها است» (ص

۱۷).

۳. تمدن‌سازی: شما هستید که باید گام بزرگ دوم را بردارید» (ص ۱۳).

• علم و پژوهش، کلید پیشرفت همه‌جانبه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۴) نقش علم:

○ جهش علمی: ایران در علم و فناوری، در مرزهای دانش جهانی پیش

می‌رود» (ص ۱۴).

○ تمدن‌سازی: علم در خدمت معنویت و عدالت، نه سلطه.

بیانیه تأکید دارد: «جوانان عزیز! آینده مال شماست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۰). نسل جوان با

علم، تمدن‌نوین اسلامی را محقق می‌کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل مبانی تمدنی جمهوری اسلامی ایران در افق گام دوم انقلاب اسلامی، تصویری جامع از

هویت فکری، ارزشی و عملی این نظام ارائه می‌دهد که نه‌تنها ریشه در آرمان‌های انقلاب

۱۳۵۷ دارد، بلکه به‌عنوان نقشه راهی برای تحقق تمدن‌نوین اسلامی در قرن بیست‌ویکم عمل

می‌کند. این پژوهش، با تکیه بر اسناد بنیادین نظیر قانون اساسی (۱۳۵۸)، آثار امام خمینی (ره)

(۱۳۶۹)، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)، و دیدگاه‌های متفکرانی چون

مطهری (۱۳۸۸)، جوادی آملی (۱۳۹۵)، مصباح یزدی (۱۳۹۰)، نصر (۱۳۸۷)، شریعتی (۱۳۹۰)،

داوری اردکانی (۱۳۹۴) و حسن‌زاده آملی (۱۳۹۲)، نشان داد که مبانی تمدنی جمهوری

اسلامی — شامل توحیدمحوری، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، ولایت فقیه، استقلال، معنویت و پیشرفت علمی — به‌عنوان ستون‌های فکری و عملی نظام، در بیانیه گام دوم به سطحی راهبردی ارتقا یافته‌اند.

بیانیه گام دوم، با جمله‌ی آغازین «اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم... سخن بگویم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۹)، نسل جوان را نه تنها مخاطب، بلکه عامل اصلی تمدن‌سازی معرفی کرد و با تأکید بر اینکه «محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملت‌ی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۳)، دستاوردهای انقلاب را تجلی عملی مبانی تمدنی دانست. این بیانیه، با ساختار سه‌گانه خودسازی، جامعه‌پردازی، تمدن‌سازی، آرمان‌های انقلاب را از سطح شعار به سطح عملیاتی و تمدنی ارتقا داد و با ارائه اصول هفت‌گانه (علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی، سبک زندگی)، چارچوبی عملی برای تحقق این مبانی فراهم آورد. در پرتو این اصول، توحید به‌عنوان روح حاکم بر خودسازی و سبک زندگی، عدالت به‌عنوان زیربنای جامعه‌پردازی و اقتصاد مقاومتی، کرامت انسانی به‌عنوان پایه آزادی و پیشرفت علمی، و ولایت فقیه به‌عنوان محور هدایت تمدنی و عزت ملی، جایگاه محوری یافتند. بیانیه با جمله‌ی کلیدی «شما هستید که باید... آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی^۱ (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۰)، تمدن نوین اسلامی را نه یک آرمان دور، بلکه هدف عملیاتی نسل جوان معرفی کرد و با هشدار نسبت به غفلت‌های گذشته — «اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و

غفلت از جریان انقلابی... نمی‌بود، دستاوردهای انقلاب از این هم بیشتر می‌بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۳) — بر ضرورت بازگشت به مبانی تأکید ورزید.

تحلیل چالش‌ها نیز نشان داد که تهدیدات فرهنگی و معرفتی (تهاجم نرم، سکولاریسم، تضعیف باورها)، مدیریتی و اقتصادی (فساد، ناکارآمدی، وابستگی)، و رسانه‌ای و جهانی‌شدن (جنگ روایت‌ها، تغییر سبک زندگی)، مبانی تمدنی را در معرض خطر قرار داده‌اند. با این حال، بیانیه با ارائه راهکارهای عملی نظیر اقتصاد مقاومتی («کلید حل مشکلات اقتصادی است»، ص ۱۷)، مبارزه با فساد («جهاد بزرگ»، ص ۲۰)، سبک زندگی اسلامی («سپر در برابر تهاجم فرهنگی»، ص ۲۰)، مدیریت جهادی («الهام گرفته از ایمان اسلامی»، ص ۱۲)، و دیپلماسی فعال («عزت ملی، محصول ایستادگی است»، ص ۱۹)، نشان داد که این چالش‌ها با تکیه بر مبانی فکری و نقش‌آفرینی نسل جوان، نه تنها قابل مدیریت، بلکه قابل تبدیل به فرصت هستند.

در نهایت، جمهوری اسلامی ایران در گام دوم، از یک نظام سیاسی به یک مدل تمدنی جهانی تبدیل شده است. این نظام، با حفظ انعطاف‌پذیری انقلابی («انقلاب اسلامی... همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست»، ص ۴) و با تکیه بر نسل جوان («آینده مال شماست»، ص ۲۰)، قادر است الگویی بدیل برای تمدن‌های مادی‌گرای غربی ارائه دهد که در آن علم در خدمت معنویت، اقتصاد در خدمت عدالت، آزادی در خدمت کرامت، و قدرت در خدمت عزت الهی قرار گیرد. تحقق این تمدن، نیازمند جهاد همه‌جانبه در عرصه‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و بیانیه گام دوم، با جمله‌ی پایانی «جوانان عزیز! این‌ها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در

سرگذشت چهل ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۳)، این مسئولیت تاریخی را بر دوش نسل جدید نهاده است. این پژوهش، با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع معتبر، نشان داد که مبانی تمدنی جمهوری اسلامی، نه تنها هویت این نظام را تعریف می‌کنند، بلکه ظرفیت تبدیل ایران به قطب تمدن نوین اسلامی در جهان را دارند. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی بر اندازه‌گیری عملیاتی شاخص‌های تمدن‌سازی (مانند عدالت اجتماعی، پیشرفت علمی، سبک زندگی اسلامی)، تأثیرگذاری جهانی تمدن نوین اسلامی، و نقش هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین در خودسازی و جامعه‌پردازی تمرکز کنند تا گام دوم انقلاب، از یک سند راهبردی به یک واقعیت تمدنی زنده تبدیل شود.

پیوست

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين وصحبه المنتجبين و
من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی (۱)

از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوّم میشود.

پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را

شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار میدهند، دست‌وپنجه نرم میکند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پابندی به شعارهای خود همچنان به پیش میرود.

شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زنده‌ی انقلاب اسلامی

برای همه‌چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پابندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها.

دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآراده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حسّاسیت مثبت نشان

میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.

جمهوری اسلامی و فاصله‌ی میان باید‌ها و واقعیت‌ها

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله‌ی میان باید‌ها و واقعیت‌ها، همواره وجدانهای آرمان‌خواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

انقلاب اسلامی؛ مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اوّل را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربه‌ی متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر

زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامن‌های عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.

برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل میگذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اوّل درباره‌ی گذشته است.

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدّن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی^۱ (ارواح‌افاده) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتّی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنمایان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمیتوان شنید.

آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه‌ی صفر

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اولاً: همه‌چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود - بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.

ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیامهای مارکسیستی و امثال آن نمیتوانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»؛ پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر

پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملتهای زیر ستم و جریانهای آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعونهای در بستر

راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی ها با همه ی شدّت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه ی این ملّت و رهبری آسمانی و تأییدشده ی امام عظیم الشّان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان پذیر نمیشد.

مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه ی عرصه ها به رغم همه ی این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روزبه روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل ساله ی ملّت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدّت، با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریتهای جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه ی ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه ی عرصه ها رسانید.

✽ برکات بزرگ انقلاب اسلامی:

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدّت تحقیر شده و بشدّت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ی ملی را که جانمایه ی پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما

میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

یک) ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران

اولاً: ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد.

دو) موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی.

ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن

روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاز و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.

سه) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.

چهار) ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم

رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالتهای دخالت‌های قدرتهای قلدر در امور ملتها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گرفته‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

پنج) سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور

خامساً: کفه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این‌ها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهم پرداخت.

شش) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه

سادساً: عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنده و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات

پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخشهای عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

هفت) ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

سابقاً: نماد پُراپتهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. مَلّت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به مَلّت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدّت جلوگیری کند.

* انقلاب چهل ساله و گام بزرگ دوم

جوانان عزیز! این‌ها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید.

محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملت‌ی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نداشت.

اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالشها و شکست مستکبران

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالشهای مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل

او جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب میبندد و البته باز هم در رویارویی، شکست میخورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردهای دشوار در مسائل اساسی خویش است.

جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرتهای گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور

نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیتهای طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیتهای با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همتهای بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشوردن، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمیتواند شد.

فهرست طولانی فرصتهای مادی کشور

به جز این‌ها، فرصتهای مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل میدهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند میتوانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتمادبه‌نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق

و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخشهایی از ظرفیتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیتهای دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.

* گام دوم و سرفصلها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه می‌گوییم یک امید صادق و متکی به واقعیتهای عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتهای پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک

نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

و اما توصیه‌ها:

یک) علم و پژوهش

۱) علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز

علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حسّاس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه‌وهمه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به‌خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمّیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدّت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدّی در این باره تذکّر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسؤولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای

هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.

دو) معنویت و اخلاق

۲) معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان

و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسؤولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدّت و میان‌مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله.

سه) اقتصاد

۳) اقتصاد: اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوّت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیّات و معنویّات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتّی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی این‌ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، موکد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر میشود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه‌ی

خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.

چهار) عدالت و مبارزه با فساد

۴) عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در غلوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص بر حذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت،

از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منبع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

عدالت در صدر هدف‌های اولیّی همه‌ی بعث‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نافه) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البتّه در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاف‌سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدّی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی شدّت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، امّا تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، شدّت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما

جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.

پنج) استقلال و آزادی

۵) استقلال و آزادی: استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه‌ی الهی به انسان‌هایند و هیچ کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دو‌اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آوردِ صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

۶) عزّت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزّت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است

که تحقیق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

این‌ها بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملّت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقّت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه‌حال، عزّت کشور و ملّت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

هفت) سبک زندگی

۷) سبک زندگی: سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملّت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.

در پایان از حضور سرافرازانه و افتخارانگیز و دشمن شکن مَلّت عزیز در بیست و دوّم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکّر می کنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق می سایم. سلام بر حضرت بقیّة الله (ارواحنا فداه)؛ سلام بر ارواح طّیبه‌ی شهیدان والامقام و روح مطهّر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه‌ی مَلّت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان.

دعاگوی شما

سیدعلی خامنه‌ای

۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷

منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). تمدن اسلامی در نگاه قرآن و حدیث. قم: اسراء.
۲. حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۹۲). انسان در عرف عرفان. قم: الف لام میم.
۳. خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب اسلامی.
۴. خمینی، روح الله. (۱۳۶۹). صحیفه امام (جلدهای مختلف). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹۴). فلسفه تمدن. تهران: سخن.
۶. شریعتی، علی. (۱۳۹۰). تمدن و تجدد. تهران: قلم.
۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). تهران: مجلس شورای اسلامی.
۸. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۰). نظریه سیاسی اسلام (جلد ۲). قم: مؤسسه امام خمینی.
۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). مجموعه آثار (جلد ۲۴). تهران: صدرا.
۱۰. نصر، سید حسین. (۱۳۸۷). اسلام و تمدن مدرن. تهران: حکمت.